

اعتبار در حساب جاری مشارکتی، در بانکداری بدون ربا

سیدعباس موسویان

چکیده:

یکی از نیازهای واحد اقتصادی نیازهای فوری و خارج برنامه است، در بانکداری سنتی برای این منظور از تسهیلات اعتبار در حساب جاری استفاده می‌شود. بانک با تعیین سقف اعتباری برای مشتریان خاص، اجازه می‌دهد در موارد نیاز از آن اعتبار استفاده کرده بعد از رفع مشکل در اولین فرصت - حداکثر سه ماه - اصل و فرع اعتبار را به بانک برگردانند، قبل از قانون بانکداری بدون ربا این تسهیلات در نظام بانکی ایران جریان داشت و بیش از ۱۴٪ از تسهیلات بانکی را به خود اختصاص می‌داد. بعد از اجرای قانون بانکداری بدون ربا، به جهت ربوی بودن ماهیت اعتبار در حساب جاری از نظام بانکی حذف شد. لکن روشن است که این به معنای رفع مشکل واحدهای اقتصادی نیست. و نیاز به اعتبار در حساب جاری همچنان به قوت خود باقی است. در این مقاله سعی شده است با توجه به ضوابط فقهی، اقتصادی و شیوه‌های پذیرفته شده بانکی پنج راه برای اعتبار در حساب جاری پیشنهاد شود.

۱. اعتبار در حساب جاری مشارکتی به شیوه مصالحه بر سود مینا

۲. اعتبار در حساب جاری مشارکتی به شیوه خرید و فروش براساس سود مینا

۳. اعتبار در حساب جاری مشارکتی به شیوه انتظار سود واقعی

۴. اعتبار در حساب جاری تنزیلی

۵. اعتبار در حساب جاری براساس قرض بدون بهره

و چنان که از اسم مقاله پیداست تأکید اصلی روی اعتبار در حساب مشارکتی است و

راههای چهارم و پنجم بر تکمیل و پرکردن خلأها می‌باشد.

مقدمه

یکی از نیازهای مهم فعالان اقتصادی به ویژه در زمینه تجارت و بازرگانی، نیازهای مالی فوری، مقطعی و غیر قابل پیش‌بینی است. گاه تاجر، یا مدیر شرکت صنعتی یا سرپرست مؤسسه

کشاورزی به علل گوناگون چون شرکت در مزایده، خریدهای فوری، پرداخت عیدی، تعمیر ماشین‌الات، خرید قطعات یدکی و پرداخت خسارت، به وجه نقد نیاز فوری پیدا می‌کند. در این موارد اگر مؤسسه‌ای مالی چون بانک مشکل را حل کند، بنگاه مذکور می‌تواند در مدت زمان کوتاهی آن را باز پرداخت کند.

در بانکداری متعارف، برای مشتریان مورد اعتماد، تسهیلاتی به صورت، اعتبار در حساب جاری در نظر می‌گیرند.

به این بیان که بانک متناسب با توان مالی و عملکرد مشتری سقفی را به صورت حد اعتبار در حساب جاری در نظر می‌گیرد و به مشتری اعلان می‌کند. مشتری در مواقع نیاز به وسیله حواله چک از آن اعتبار برداشته، نیاز مالی خود را تأمین می‌کند؛ سپس در زمان مشخص که به طور معمول کوتاه مدت است، مبلغ برداشت شده را همراه با بهره آن به بانک بر می‌گرداند.^۱

پیش از اجرای عملیات بانکی بدون ربا، تسهیلات اعتبار در حساب جاری در بانک‌های ایران رواج داشت و بیش از ۱۴ درصد کل تسهیلات نظام بانکی را به خود اختصاص می‌داد. پس از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، این ابزار مالی مهم به طور رسمی از فعالیت‌های بانکی کشورمان حذف شد؛ در حالی که نیاز به آن باقی مانده و جای آن را در فعالیت‌های اقتصادی روزمره منابع غیر بانکی و غیر رسمی و به صورت ربوی با نرخ‌های بسیار زیاد پر کرده‌اند. روشن است که ادامه این وضع، تبعات اقتصادی نامطلوبی را به دنبال داشته، به کارگیری روش‌های غیر مشروع و غیر قانونی را توسعه می‌دهد.^۲

وجود تسهیلاتی به نام اعتبار در حساب جاری سبب می‌شود تا فعالان اقتصادی در مواقع نیازهای فوری و مقطعی، به منابع مالی مورد نیاز به آسانی دست یابند و این، سبب رونق اقتصادی و توسعه بازار می‌شود. نبود چنین تسهیلاتی در نظام بانکی کشور یکی از حالات ذیل را در پی دارد.

۱. صاحبکاران اقتصادی در موارد لزوم نتوانند نیاز مالی خود را تأمین کنند؛ در نتیجه بنگاه‌های اقتصادی با زیان یا کاهش چشم‌گیر سود مواجه می‌شوند و این در بلند مدت، فعالیت‌های اقتصادی را دچار بحران می‌کند و مانع رشد و توسعه آن‌ها می‌شود.

۲. صاحبکاران اقتصادی برای تأمین نیاز مالی مذکور به منابع غیر رسمی، غیر قانونی و غیر مشروع یعنی رباخواران و نزول خواران حرفه‌ای روی آورند و به نرخ‌های بهره فاحش تن دهند. این وضعیت نیز افزون بر ضرر و زیان اقتصادی بنگاه، سبب گسترش بازارهای غیر قانونی پول شده، به اقتصاد جامعه آسیب می‌زند.

بنابر این ضرورت دارد محققان و صاحب‌نظران اقتصاد و پول و بانکداری با تحقیق پی‌گیر،

راهکارهای مناسبی برای احیای اعتبار در حساب جاری یا طراحی ابزار مناسب و جایگزین آن بیابند در این مقاله سعی می‌شود با بهره‌گیری از فقه اسلام و قانون عملیات بانکداری بدون ربا، راهکارهایی برای این منظور ارائه شود؛ اما پیش از بیان آن راهکارها جهت بهره‌گیری از دانش و تجربه دیگران ابتدا ماهیت فقهی اعتبار در حساب جاری بانکداری متعارف را بررسی می‌کنیم؛ سپس طرح‌های پیشنهادی از سوی اندیشه‌وران مسلمان برای احیای این تسهیلات را نقد و بررسی می‌کنیم و در پایان، راه‌های پیشنهادی خود را ارائه می‌دهیم.

ماهیت فقهی اعتبار در حساب جاری در بانکداری متعارف

در بانکداری متعارف بانک‌ها به مشتریان معتبر اجازه می‌دهند تا مبلغ معینی بیش از موجودی خود، از منابع بانک استفاده کنند و به آن، حد اعتبار در حساب جاری می‌گویند. وقتی بانک برای مشتری خاصی اعتبار در حساب جاری در نظر می‌گیرد، از جهت فقهی به او وعده قرض می‌دهد و زمانی که مشتری با حواله چک از آن اعتبار استفاده می‌کند، عقد قرض تحقق می‌یابد و مشتری متعهد می‌شود در مدت زمان معینی (حداکثر سه ماه) اصل پول قرض شده و بهره آن را به بانک برگرداند. اصل و فرع چنین اعتباراتی از طریق فرمول‌های زیر محاسبه می‌شود.

$$A = P \left(1 + \frac{m}{360} \right) \quad \pi = A - P$$

که در این فرمول‌ها «A» مبلغی است که مشتری باید سرانجام به بانک برگرداند. «P» مبلغی است که به صورت اعتبار از بانک می‌گیرد. «r» نرخ بهره «n» مدت زمان استفاده از اعتبار و «π» سود بانک است؛ برای مثال اگر تاجری با حواله کردن چکی مبلغ ده میلیون ریال از اعتبار حساب جاری خود استفاده کند و پس از سه ماه (حداکثر فرصت) آن را به بانک برگرداند، با نرخ بهره ۱۰ درصد، مبلغ نهایی و میزان سود بانک به قرار زیر خواهد بود.

$$A = 10000000 \left(1 + \frac{10 \times 90}{360} \right) = 10250000 \quad \text{ریال}$$

$$\pi = 10250000 - 10000000 = 250000 \quad \text{ریال}$$

با توجه به ماهیت قرار داد که قرض همراه با بهره است، از جهت فقهی این عملیات ربا و حرام خواهد بود^۳ و در این قالب حقوقی در جمهوری اسلامی ایران قابل اجرا نیست و باید از قالب‌های حقوقی دیگری استفاده کرد.

نقد و بررسی طرح‌های پیشنهادی برای اعتبار در حساب جاری

به جهت اهمیت و ضرورت مسأله، طرح‌های گوناگونی برای احیای اعتبار در حساب جاری از

سوی کارشناسان پول و بانکداری ارائه شده است. این طرح‌ها گرچه در تبیین موضوع و ارائه راه حل، گام‌های مهمی برداشته‌اند، گاه به جهت مشکل فقهی و حقوقی و گاه به جهت عدم ارائه مدل اجرایی قابل نقد و بررسی هستند. در این بخش از مقاله، برای استفاده از نکات مثبت و دوری از نکات منفی طرح‌های مذکور به بررسی سه مورد از آن‌ها می‌پردازیم.

۱. اعطای تسهیلات مضاربه عام برای مشتریان دائم

یکی از طرح‌های ارائه شده برای احیای اعتباری در حساب جاری، پیشنهاد جناب آقای امیر اصلانی مدیر عامل پیشین بانکی ملی ایران است که در سال ۱۳۷۲ در همایش بانکداری اسلامی ارائه شده است.^۴ خلاصه پیشنهاد بدین قرار است:

در نظام بانکداری بدون ربا گرچه برای نیازهای گوناگون راه‌هایی پیش‌بینی شده است، برای بعضی از نیازهای مشتریان راهی ارائه نشده. یکی از این نیازها، نیازهای فوری و کمبودهای اتفاقی و غیر قابل پیش‌بینی است. در وضعیت فعلی، بانک‌ها برای تأمین نیازهای امور تجاری در هر مورد با استفاده از عقد مضاربه به نیاز مشتریان پاسخ می‌گویند و طبق دستور العمل‌ها از مشتریان پرسیده می‌شود چه کالاهایی را می‌خرند؛ قیمت خرید و فروش چقدر است و ...؛ یعنی بانک ناچار است همه اطلاعات مندرج در آیین نامه را بررسی و احراز کند و این در بهترین وضعیت به طور متوسط، چهار روز وقت لازم دارد. حال آن‌که بازرگان یا صاحب واحد تولیدی در برخورد با بعضی از معاملات نیازمند است که تسهیلات بانکی در حساب جاری اش موجود باشد و با آن همانند پول نقد عمل کند. با دقت در قانون بانکداری بدون ربا مشخص می‌شود که گرچه به عملیات بانکی وارد است، بر قانون بانکداری بدون ربا وارد نیست و می‌توان با استفاده از همین قانون، نیاز پیشین را مرتفع کرد به این صورت که مشتریان بانک دو دسته‌اند: دسته اول مشتریان دائم بانک هستند؛ کسانی که با توجه به نوع و حجم عملیات خود به دفعات متعدد جهت دریافت تسهیلات گوناگون بانکی به بانک مراجعه می‌کنند. دسته دوم مشتریان موردی هستند؛ کسانی که برای تأمین نیاز خاصی چون خرید مسکن، اتومبیل به بانک مراجعه می‌کنند و در طول دوره زندگیشان یک یا دو بار با بانک معامله می‌کنند. روش عملی بانک‌ها در وضعیت کنونی این است که با هر دو دسته از مشتریان یک‌سان عمل می‌کند و اصولاً با قطع نظر از مشتری هر مورد تقاضای تسهیلات را از جهت اطلاعات مورد نیاز، بررسی و نتیجه را اعلان می‌کنند و روشن است که این وضعیت برای مشتریان دائم نه لازم و نه مناسب است. پیشنهاد می‌شود بانک با مطالعه کافی روی مشتریان دائم و بررسی صلاحیت‌های کاری، حسن شهرت، دارایی‌های منقول و

غیرمنقول و اعتبار اسناد و وثایق، تسهیلات اعتباری با سقف معینی برای مدت زمان مشخصی برای آنان در نظر گیرد و با آنان به صورت مضاربه رفتار کند. مشتری می‌تواند از این تسهیلات به دو صورت استفاده کند: یا مانند معاملات مضاربه فعلی فقط در یک معامله به کارگیرد یا معاملات متعدّد انجام دهد. مکانیزم عمل به گونه‌ای است که مشتری هر وقت چک صادر کند، حسابش بدهکار می‌شود؛ بنابراین در آخر دوره، کل بدهکاری‌های حساب، مبالغی است که بانک به مشتری پرداخته است و بستانکار این حساب، مجموع معاملاتی است که با استفاده از تسهیلات جاری انجام شده است.^۵

نقد و بررسی

این پیشنهاد همان‌طور که خود نویسنده نیز معترف است، وارد جزئیات نشده و در حدّ طرح ایده کلی است و جزئیات عملیات، به کار دقیق‌تر نیاز دارد که براه‌ل فن پوشیده نیست؛ اما در همان حدّ ایده کلی نیز مشکلاتی دارد.

اولاً این طرح اساس کار خود را روی عقد مضاربه قرار داده و این در حالی است که عقد مضاربه مطابق فقه اسلام به امور تجاری و بازرگانی اختصاص دارد و در عرصه‌های صنعت، کشاورزی و خدمات به کار نمی‌آید؛ در نتیجه؛ اعطای تسهیلات اعتبار در حساب جاری به بخش خاص بازرگانی منحصر می‌شود.

ثانیاً طبق محتوای قرار داد مضاربه این قرار داد در جایی به کار می‌رود که کل سرمایه را بانک یا یک مؤسسه مالی تأمین کند و تاجر فقط عامل باشد و شامل مواردی که بخشی از سرمایه را خود تاجر تأمین کند، نمی‌شود و این در حالی است که مطابق عرف صنعت بانکداری، تسهیلات اعتبار در حساب جاری به آن گروه از مشتریان داده می‌شود که بخش عمده سرمایه را دارند و در مواقع ضرور و غیر منتظره تصمیم به ترمیم یا تکمیل سرمایه گرفته‌اند. خلاصه این که استفاده از عقد مضاربه افزون بر این که عرصه این تسهیلات را به بخش بازرگانی منحصر می‌کند، در آن بخش نیز مطابق عرف بانکداری عمل نمی‌شود.

۲. مضاربه جاری

دومین طرح که به طرح اول شباهت بسیاری دارد و آن را به عملیاتی شدن نزدیک کرده، پیشنهاد آقای دکتر علیرضا شیرانی مدیر عامل بانک سپه است. وی پس از طرح مسأله و اهمیت آن در توضیح پیشنهاد خود می‌گوید:

مبنای این پیشنهاد، استفاده از نوع عام یا مطلق مضاربه است به این ترتیب که از طرف بانک، سرمایه نقدی که مقدار و میزان آن نیز به صورت یک خط اعتباری مشخص است، در اختیار

مشتری قرار می‌گیرد. مشتری در بدو امر، نوع فعالیت تجاری و سود مورد انتظار را پیش‌بینی می‌کند و سهم بانک و مشتری، طی قراردادی از سود انتظاری مشخص می‌شود. مدت خط اعتباری به طور عام یک سال تعیین و در طول این مدت مشتری می‌تواند با استفاده از صدور چک به صورت دستور پرداخت برای خرید کالا از خط اعتباری در نظر گرفته شده به طور یک جا یا به تدریج استفاده کند و با آن کالاهای مورد نظر را بخرد و به محض فروش تمام یا بخشی از کالاها، وجه آن را به حساب خود واریز کند و بدون هیچ گونه معطلی یا بوروکراسی اداری می‌تواند در هر لحظه‌ای که اراده کند و وضع مطلوبی را در بازار بیابد، تا سقف اعتبار تعیین شده، از خط اعتباری استفاده کرده و سرانجام در پایان سال به تسویه حساب و تعیین سود حاصله هر یک از دو طرفین مبادرت کند.

نقد و بررسی

این پیشنهاد اگر چه از جهت ماهیت فقهی عین پیشنهاد اول است، به جهت شفافیت و به ویژه عملیاتی کردن ایده که در مقاله مورد نظر آمده، به پیشنهاد اول مزیت دارد؛ اما اشکالات محتوایی همچنان باقی است؛ یعنی این طرح مخصوص بخش بازرگانی بوده، به آن گروه از بازرگانان اختصاص دارد که هیچ سرمایه‌ای از خود نداشته و فقط به صورت عامل کار می‌کنند، به عبارت دیگر، این طرح در صورت توفیق چیزی در حدود پنج درصد از استفاده کنندگان تسهیلات اعتبار در حساب جاری را پوشش می‌دهد. افزون بر این که در پیشنهاد یک ابهام اساسی وجود دارد و آن این که مشتری متعهد می‌شود پس از فروش کل یا بخشی از کالاها، وجوه آن را به حساب مذکور واریز کند و تا پایان سال به صورت مرتب و جاری از آن حساب برداشت، و پس از فروش واریز کند و مقدار سود متناسب با تعداد دفعات عملیات تجاری به وسیله آن سرمایه محاسبه شود؛ اما در عمل هیچ راهی برای کنترل و ارزیابی نیست. ممکن است تاجری با استفاده از آن سرمایه در هر ماه یا دو ماه یا چند ماه، یک یا چند عملیات کامل تجاری انجام دهد؛ اما سود آن را به حساب واریز نکند و در پایان سال مالی فقط تعدادی از دفعات (حداقل ممکن) را گزارش کند. به عبارت دیگر، برای طراحی تسهیلات اعتبار در حساب جاری باید از روش یا روش‌هایی استفاده کرد که استفاده کنندگان از تسهیلات ترجیح دهند در نخستین فرصت، اعتبار دریافتی را تسویه کنند.

۳. سرمایه شناور

یکی از طرح‌هایی که موضوع را از زوایای گوناگون بررسی و راهکار خوبی ارائه می‌دهد، طرح

آقایان دکتر مهدوی و دکتر بهمنی است.^۷ این طرح پس از تقسیم نیازهای مالی بنگاه‌های اقتصادی به نیازهای متعارف (قابل پیش بینی و برنامه ریزی) و غیر متعارف (فوری و غیر قابل پیش بینی)، بیان می‌کند که در بانکداری سنتی برای نیازهای متعارف وام ربوی در شکل وجه نقد و برای نیازهای فوری و اضطراری، وام ربوی به صورت اعتبار در حساب جاری در اختیار واحدهای اقتصادی قرار می‌گیرد در عملیات بانکداری بدون ربا ابزارهایی برای نیازهای متعارف وجود دارد؛ اما آن ابزارها برای نیازهای غیر متعارف به کار نمی‌آید؛ زیرا کاربرد آن‌ها مستلزم صرف وقت و معطلی اداری است که با نیازهای فوری و اضطراری تناسب ندارند؛ سپس به نقد و بررسی برخی روش‌ها پرداخته، می‌گوید: روش‌های دیگری نیز برای تأمین مالی این قبیل نیازها، به نظر می‌رسد که از لحاظ اقتصادی منطقی نیست؛ برای مثال، واحد اقتصادی می‌تواند برای پوشش این نیازها، همواره ذخیره نقدی به میزان کافی نزد خود نگه دارد تا در اضطرار از آن‌ها استفاده کند. به طور طبیعی، هزینه نگهداری دائم و مستمر این قبیل ذخایر برای واحدهای اقتصادی سنگین خواهد بود.

روش قرض ربوی از اشخاص ثالث برای کوتاه مدت و با هزینه سنگین نیز نه و جاهت شرعی دارد و نه مقرون به صرفه است. براساس ضوابط فعلی بانکداری بدون ربا، تأمین مالی نیازهای غیر متعارف یا در واقع اعطای تسهیلات اعتبار در حساب جاری فقط از طریق عقد قرض امکان پذیر است که براساس موازین اسلامی باید به صورت حسنه و بدون بهره باشد؛ یعنی نباید سودی روی این گونه اعتبارات اخذ کرد. به طور طبیعی تأمین نیازهای مالی واحدهای اقتصادی توانمند به این صورت نه منطبق اقتصادی دارد و نه امکان پذیر به نظر می‌رسد؛ زیرا به کارگیری بخش عمده‌ای از منابع پس انداز جامعه به صورت قرض الحسنه موجب منافع بی‌منطق برای گیرنده تسهیلات اعتبار و سبب متضرر شدن بی‌منطق تأمین کننده منابع مالی می‌شود؛ و به همین دو دلیل اساسی، هیچ‌گاه چنین اندیشه‌ای نتوانسته جامعه عمل بیوشد. در این طرح، اهتمام لازم به کار خواهد رفت تا راه حل ریشه‌ای برای نارسایی مزبور به گونه‌ای ارائه شود تا شیوه عمل، هم منطبق اقتصادی و عقلایی داشته و هم با موازین اسلامی تعارض نداشته و از لحاظ ضوابط بانکی نیز قابل قبول باشد.

آنان طرح پیشنهادی خود را که بر خرید و فروش بخشی از دارایی‌های بنگاه اقتصادی بین بنگاه و بانک مبتنی بوده و سبب مشارکت آن دو در سرمایه بنگاه می‌شود تحت عناوین «سرمایه شناور» و «مشارکت گردان» چنین مطرح می‌کنند: برای حل مشکل اعتبار در حساب جاری می‌توان از روش فروش بخشی از یک یا چند نوع دارایی واحد اقتصادی به بانک استفاده کرد و آن

را موضوع «مشارکت گردان» بین بانک و واحد اقتصادی قرار داد به این بیان که میزان سرمایه واحد اقتصادی با توافق دو طرف، و میزان سهم سرمایه بانک در آن (مشارکت گردان) به صورت شناور تعیین می‌شود و براساس آن سقف اعتباری بانک برای واحد اقتصادی مشخص می‌شود. پس از آن، هر وقت واحد اقتصادی به پول نقد نیاز یابد، بانک به میزان لازم، سرمایه «مشارکت گردان» را می‌خرد؛ در نتیجه سهم بانک در «مشارکت گردان» افزایش می‌یابد و هر وقت واحد اقتصادی با مازاد منابع مواجه شد، بخشی از سهم شرکت بانک در «مشارکت گردان» را بازخرد می‌کند و سهم بانک کاهش می‌یابد. این اقدام سبب صرفه جویی فراوان در نگهداری منابع مالی برای واحدهای اقتصادی شده سودآوری آن‌ها را افزایش می‌دهد.

نکته پایانی و اساسی طرح پیشنهادی، تعیین قیمت خرید و فروش سهم شرکت بانک از «مشارکت گردان» و شکل‌گیری سود بانکی از عملیات مذکور است. وی بیان می‌کند که برای برآورد قیمت، مبانی گوناگونی وجود دارد که می‌توان قیمت بازار، قیمت توافقی، قیمت ارزیابی، قیمت جایگزین و سرانجام قیمت تمام شده به اضافه سود (Cost plus) را نام برد. ساده‌ترین روش برآورد قیمت و به تبع آن، برآورد سود بانک می‌تواند بر مبنای قیمت تمام شده به اضافه سود (Cost plus) باشد. در این روش، فرض می‌شود که سود مورد مشارکت به‌طور تقریبی متناسب با گذشت زمان تحقق می‌یابد. بر مبنای این فرض، برآورد قیمت فروش و سود از طریق فرمول زیر خواهد بود.

$$P = U \times Q (1 + \text{Mark-up})$$

که در آن «P» قیمت کل فروش، «U» قیمت واحد سرمایه، «Q» تعداد واحد سرمایه «Mark-up» نرخ سودی است که بین بانک و واحد اقتصادی توافق می‌شود.

نقد و بررسی

طرح پیشنهادی در مقایسه با دو طرح پیشین کامل‌تر و جامع‌تر است و اشکالات آن‌ها را ندارد و شامل بخش‌های مختلف اقتصادی چون بازرگانی، صنعت، کشاورزی و خدمات می‌شود و از جهت سهم سرمایه نیز کاملاً شناور است و واحد اقتصادی را با تمام نیازهای سرمایه‌ای پوشش می‌دهد و به جهت همین، مزایا در طرح پیشنهادی خودمان نیز از آن استفاده خواهیم کرد؛ اما از جهات گوناگون جای نقد و بررسی دارد.

۱. این طرح فقط آن گروه از واحدهای اقتصادی را که دارای حساب سرمایه منظم بوده و در هر مقطع زمانی سرمایه معلوم و مشخصی دارند شامل می‌شود و قابل اجرا در واحدهای تولیدی و

تجاری کوچک و شخصی که حساب سرمایه دقیق ندارند، نیست، و تعداد این قبیل مشتریان کم نیست؛ برای مثال، تاجری که برای پرداخت برات یا خرید غیر منتظره به منبع مالی فوری و موقت نیاز یافته و از آن طرف سرمایه کل بنگاه خود و نسبت منبع مذکور با آن را نمی‌داند نمی‌تواند از این روش استفاده کند.

۲. اگر نرخ سود توافقی «Mark - up» نرخ است که قیمت خرید و بازخرید را در ابتدای معامله معین می‌کند، بطوری که بصورت دقیق معلوم می‌کند که بانک در ابتدای دوره (موقع استفاده از تسهیلات اعتبار در حساب جاری) هر واحد سرمایه را به چه قیمتی می‌خرد و پس از مدت مشخصی، به چه قیمت قطعی به واحد اقتصادی می‌فروشد و بانک، مشتری را به باز خرید در مدت مقرر با نرخ معین ملزم کند، معامله از داد و ستد سهم سرمایه و مشارکت در سرمایه خارج شده، ماهیت قرض ربوی می‌یابد. گویا بانک در قالب خرید و فروش، مبلغی را به واحد اقتصادی پرداخته؛ سپس آن مبلغ را همراه با مبلغی اضافه پس می‌گیرد و خرید و فروش، حقیقت خود را از دست داده ابزار و صورتی برای قرض ربوی می‌شوند.

۳. در ابتدای طرح ادعا شد که اعطای تسهیلات اعتبار در حساب جاری در قالب قرض بدون بهره هیچ منطق اقتصادی ندارد؛ در حالی که در طرح پیشنهادی نشان می‌دهیم در بعضی موارد نه تنها قالب قرض بدون بهره منطق اقتصادی دارد، بلکه یگانه راه حل است.

طرح پیشنهادی برای اعتبار در حساب جاری

پیش از ارائه طرح و راه‌های پیشنهادی، بیان چند موضوع که در تبیین طرح مهم است، ضرورت دارد.

موارد نیاز به اعتبار در حساب جاری

مصادیق عمده نیازهای غیر متعارف (فوری و غیر قابل پیش بینی) واحدهای اقتصادی که در بانکداری سنتی از طریق تسهیلات اعتبار در حساب جاری تأمین مالی می‌شوند، عبارتند از^۸:

۱. نیاز مالی برای شرکت در مزایده تجاری؛
۲. نیاز مالی برای خریدهای تجاری غیر منتظره؛
۳. کسری پیش آمده برای پرداخت فوری حقوق و دستمزد؛
۴. کسری پیش آمده برای خرید مواد اولیه خارج از برنامه یا قیمت پیش‌بینی شده؛
۵. نیاز مالی برای خریدهای غیر منتظره قطعات یدکی، ماشین آلات؛
۶. خریدهای فوری اداری؛

۷. فوریت‌های پیش آمده برای پرداخت عوارض، حقوق گمرکی و ...؛

۸. کسری پرداخت بروات، سفته‌ها، چک‌ها و ...؛

۹. کسری در جریان نقدی بنگاه به دلیل ضعف مدیریت مالی یا نوسانات ناگهانی در بازار

ویژگی‌های نیازهای غیر متعارف

نیازهای غیر متعارف، فوری غیر قابل پیش بینی و غیر منتظره هستند، و در نتیجه منحصر به فرد بوده، قابل ضابطه‌مند کردن دقیق نیستند؛ اما ویژگی‌های مشترکی دارند که توجه به آن‌ها در طراحی و ساخت ابزارهای مالی رهگشا است. ویژگی‌های مهم این نیازها عبارتند از^۹:

۱. فوری بودن نیازها: نظر به این که نیازهای غیر متعارف خارج از محدوده پیش بینی و به صورت اضطراری، ناگهانی و فوری بروز می‌کنند، تأمین مالی آن‌ها نیز راه حل فوری را می‌طلبد.
۲. کوتاه مدت بودن نیازها: غالب واحدهای اقتصادی از جهت ساختار مالی چنان طراحی می‌شوند که بتوانند حوادث غیر منتظره را پس از سپری شدن مدت زمان کوتاهی جبران کنند و به وضعیت عادی و قابل برنامه‌ریزی درآورند.

براین اساس، واحدهای اقتصادی توانایی دارند وجوه دریافتی از بانک برای تأمین مالی نیازهای فوری را در کوتاه مدت به بانک مسترد دارند.

۳. نداشتن ماهیت تجاری: نظر به این که این قبیل نیازها به صورت کسری مقطعی و کوتاه مدت و به صورت اضطراری بروز می‌کند، به طور عام به وسیله وجه نقد تأمین مالی می‌شود و قابلیت تأمین به صورت سایر اموال و دارایی‌ها را ندارد.

۴. محدود بودن مبلغ نیاز: در مقایسه با نیازهای متعارف که به طور معمول مبالغ قابل توجه و منطقی داشته و از طریق ابزارهای متعارف، قابل تأمین مالی هستند، این نیازها به طور عام به صورت مبالغ کم و به ندرت به صورت مبالغ بزرگ بروز می‌کنند؛ از این جهت، تأمین مالی آن‌ها در شکل تسهیلات متعارف مقرون به صرفه نیست.

ضوابط اساسی ابزارهای پیشنهادی

با توجه به نیاز جدی نظام بانکی برای طراحی ابزارهای مناسب جهت اعتبار در حساب جاری، انتظار است، طرح‌ها و راهکارهای گوناگونی از سوی کارشناسان پول و بانکداری اسلامی ارائه شود. توجه به مصادیق نیازهای غیر متعارف واحدهای اقتصادی ویژگی‌های آن‌ها، راهنمای خوبی برای پیشنهادات است؛ کما این که در طراحی آن ابزارها، لازم است ضوابطی رعایت شود.

مهم‌ترین آن ضوابط عبارتند از:

۱. انطباق با ضوابط فقهی: ابزارهایی که در نظام بانکی بدون ربا ارائه می‌شوند، باید با موازین فقهی منطبق باشند وگرنه در مقام اجرا، مشکل قانونی یافته، متوقف می‌شوند.
۲. انطباق با اهداف اقتصاد اسلامی: کم‌ترین انتظاری که از ابزارهای مالی وجود دارد، این است که سود آن‌ها نشأت گرفته از فعالیت واقعی و مفید اقتصادی بوده، سبب گسترش عدالت توزیعی شود.
۳. داشتن منطق اقتصادی: مطالعه مصادیق نیازهای غیر متعارف واحدهای اقتصادی که برای تسهیلات اعتبار در حساب جاری در نظر گرفته می‌شوند، نشان می‌دهد که این تسهیلات در اختیار گروهی از فعالان اقتصادی قرار می‌گیرد که گرچه در کوتاه مدت نیاز مالی یافته‌اند این نیاز زودگذر و برای به دست آوردن سود بیش‌تر و توسعه بنگاه اقتصادی است و با روش‌های اعطای تسهیلات بانکی خیر خواهانه چون اعطای قرض الحسنه تناسب ندارد؛ بنابراین باید ابزارهای مالی چنان طراحی شود که بانک در عین تلاش برای حل مشکل اقتصادی واحد اقتصادی به فکر کسب سود برای بانک هم باشد؛ البته این بدان معنا نیست که لزوماً هر معامله بانکی، سود مستقیمی داشته باشد - گرچه اولویت در این است - بلکه مقصود این است که بانک در سایه چنین تسهیلاتی ولو به صورت غیر مستقیم منتفع شود.
۴. تطابق با ملاک‌های بانکی: ابزار بانکی، افزون بر جواز شرعی و منطق اقتصادی، باید قابلیت اجرا در چارچوب معیارها و ملاک‌های بانکی را هم داشته باشد به این معنا که نمی‌توان برای اجرای هر ابزاری، ساختار هندسی و شکل کاری بانک‌ها را تغییر داد؛ بنابراین، هر ابزار پیشنهادی باید بتواند با آیین‌نامه‌های اجرایی، روش‌های متعارف حسابداری، سیستم نظارت و کنترل بانکی تطابق داشته باشد و بر همین اساس، ابزارهایی که بانک را به تصدی مستقیم فعالیت‌های اقتصادی می‌کشاند نمی‌توانند در وضعیت کنونی با موفقیت اجرا شوند.

راه‌های پیشنهادی

در این مقاله برای اعتبار در حساب جاری پنج شیوه و راه حل پیشنهاد می‌شود، که براساس عقود شرکت، تنزیل و قرض بدون بهره طراحی شده‌اند. این شیوه‌ها مستقل از هم می‌باشند و در عین حال می‌توانند به صورت مکمل هم استفاده شوند. ابتدا راه حل‌های سه گانه‌ای را که براساس عقد شرکت طراحی شده‌اند معرفی می‌کنیم.

۱. اعتبار در حساب جاری براساس عقد شرکت

۱-۱. ماهیت فقهی اعتبار

بانک برای آن گروه از مشتریان حساب جاری که دارای واحد اقتصادی موفق بوده و انضباط

مالی قابل قبولی دارند حدی را به صورت اعتبار در حساب جاری تعیین می‌کند و با مشتری قرار می‌گذارد هر وقت او چکی را به بانک حواله کرد، از آن اعتبار استفاده کند. بانک با پرداخت چک به میزان پرداخت شده مالک بخشی از دارایی واحد اقتصادی شده، به تناسب آن مبلغ در مقایسه با کل سرمایه، در واحد اقتصادی و سود آن شریک می‌شود. و هر زمان که مشتری، اعتبار دریافتی را به بانک برگرداند، بانک حاضر است مشارکت را به پایان رساند. روشن است که در این روش، سهم سود بانک از سود سالانه واحد اقتصادی به مبلغ و مدت زمان استفاده از اعتبار بستگی خواهد داشت؛ در نتیجه، استفاده از اعتبار در حساب جاری به این روش، ماهیت عقد شرکت است و سود بانک نیز حاصل فعالیت اقتصادی شرکت خواهد بود. جزئیات تقسیم سود و بیان فهم آن در شیوه‌های عملیاتی می‌آید.

۲-۱. شیوه‌های عملیاتی اعتبار در حساب جاری براساس عقد شرکت

برای اعطای اعتبار در حساب جاری براساس عقد شرکت، شیوه‌های عملیاتی گوناگونی را می‌توان در نظر گرفت. در این قسمت از مقاله به بیان سه شیوه که در کیفیت محاسبه و وصول سود بانک متفاوت هستند می‌پردازیم.

۱-۲-۱. شیوه مصالحه بر سود مینا

در این شیوه، بانک‌ها می‌توانند با لحاظ سود متوسط کل اقتصاد و سود متوسط تسهیلات اعطایی بانک‌ها، به آن گروه از مشتریان حساب جاری که در سه سال گذشته (برای مثال) سودشان بالاتر از سود مینا* بوده و در معاملات بانکی سابقه مطلوبی دارند اعلام کند که با رعایت ضوابط بانک مرکزی، در حد یک درصد کل سرمایه واحد اقتصادی، تسهیلات اعتبار در حساب جاری مشارکتی می‌دهد. مشتری واجد شرایط با مراجعه به بانک و تحویل اسناد و مدارک مورد نیاز به بانک، تقاضای اعتبار در حساب جاری می‌کند. بانک پس از بررسی و موافقت با وی قرار می‌گذارد که هر وقت واحد اقتصادی مذکور از محل اعتبار، چکی را به بانک حواله کند، تقاضای مشارکت از بانک را کرده است و بانک با پرداخت چک تقاضا را پذیرفته و به میزان مبلغ چک در دارایی بنگاه شریک می‌شود، و به صورت «رویه» بانکی اعلان می‌دارد اگر مشتری اعتبار مذکور را برگرداند، بانک شرکت را به پایان خواهد رساند. با حل مشکل واحد اقتصادی و باز پرداخت مبلغ مذکور مشارکت به پایان می‌رسد و مالکیت بانک بر بخشی از دارایی بنگاه از بین می‌رود. بدیهی است بانک به میزان اعتبار و مدت زمان استفاه از آن، در سود بنگاه مذکور سهمیم شده است و برای استیفای آن می‌تواند از روش مصالحه بر سود مینا استفاده کند به این معنا که بانک و مشتری مصالحه می‌کنند که مشتری به تناسب مبلغ و مدت استفاده، سهم سود بانک را

* سود مینا، رقم خاصی است که نظام بانکی یا هر بانک به‌طور جداگانه با مطالعه سود متوسط اقتصاد، سود متوسط تسهیلات بانکی و کشش بازار به دست می‌آورد.

بر اساس سود مبنا به صورت علی الحساب بپردازد و به طور موقت معامله را تسویه کنند و باهم قرار می‌گذارند در پایان دوره مالی و زمان حسابرسی سود و زیان واحد اقتصادی، اگر معلوم شود سود بانک بیش تر از مبلغ مذکور بوده، بانک، مازاد سهم خود را به واحد اقتصادی هبه کند و اگر واحد اقتصادی با استناد به مدارک معتبر اثبات کند که سهم بانک کم تر از سود علی الحساب بوده، بانک متعهد شود مازاد را به واحد اقتصادی برگرداند؛ برای مثال، بانک ملی ایران اعلان می‌کند در سال ۱۳۸۲ برای آن دسته از بنگاه‌های اقتصادی که نرخ سود سرمایه آن‌ها برای سال‌های ۷۹ تا ۸۱ بالاتر از ۲۴ درصد بوده و در معاملات بانکی خوش حساب هستند، در حد یک درصد سرمایه بنگاه، تسهیلات اعتبار در حساب جاری مشارکتی می‌پردازد.

شرکت خودروسازی با سرمایه صدمیلیارد ریال به بانک مراجعه، و درخواست اعتبار می‌کند. بانک با بررسی اسناد و مدارک اصل سرمایه و سود سال‌های مذکور با گرفتن وثیقه‌های معتبر در حد یک میلیارد ریال برای شرکت اعتبار در نظر می‌گیرد. اگر شرکت، چکی به مبلغ پانصد میلیون صادر و از اعتبار مذکور به مدت یک ماه استفاده کند، بانک با پرداخت وجه چک به مدت یک ماه در اصل سرمایه و سود شرکت شریک می‌شود. وقتی شرکت پول را به بانک برمی‌گرداند، بانک با دریافت آن، مشارکت را ابطال، و سود علی الحساب خود را بر اساس سود مبنا از طریق فرمول زیر محاسبه و دریافت می‌کند.

$$\pi = A \cdot \frac{p \cdot n}{360}$$

که در آن « π » سود بانک، « A » مبلغ اعتبار، « p » نرخ سود مبنا و « n » روزهای استفاده از اعتبار است و در مثال پیشین برابر است با:

$$\pi = 100000000 \Rightarrow \pi = 500000000 \times \frac{24 \times 30}{360}$$

سپس بانک با شرکت خودروسازی قرار می‌گذارد اگر نرخ سود سال ۱۳۸۲ شرکت بیش از ۲۴ درصد بود در نتیجه، سهم سود بانک بیش از رقم ده میلیون ریال شد، بانک مازاد سود خود را به شرکت می‌بخشد و نیازی به ارائه اسناد و مدارک نیست و اگر سود شرکت کم تر از ۲۴ درصد باشد، شرکت حق دارد با اسناد و مدارک معتبر، مابه‌التفاوت سود علی الحساب (ده میلیون ریال) را از بانک دریافت کند.

روشن است که این شیوه برای یک مرتبه نیست، و بنگاه‌های اقتصادی دارای اعتبار، با رعایت سقف اعتبار می‌توانند چندین بار از محل اعتبار استفاده کرده، دوباره آن را برگردانند.

۱-۲-۲. شیوه خرید و فروش بر اساس سود مبنا

در این شیوه نیز بانک‌ها با لحاظ سود مبنا به مشتریان موفق* اعلام می‌کنند که در حد یک درصد کل سرمایه واحد اقتصادی، تسهیلات اعتبار در حساب جاری مشارکتی می‌دهند.

* مقصود از مشتریان موفق، آن گروه از مشتریان حساب جاری هستند که در سه سال مالی گذشته سودشان بالاتر از سود مبنا بوده است و در معاملات بانکی سابقه مطلوبی دارند.

مشتری دارای شرایط، با مراجعه به بانک و تحویل اسناد، تقاضای اعتبار می‌کند. بانک پس از بررسی و موافقت با وی قرار می‌گذارد که هر وقت واحد اقتصادی مذکور از محل اعتبار، چکی را به بانک حواله کند، به معنای فروش نسبتی از دارایی واحد اقتصادی به بانک است و پرداخت چک از طرف بانک، معنای خرید آن نسبت از دارایی واحد اقتصادی از طرف بانک را دارد و وقتی بانک چک را پرداخت، مالک آن نسبت از دارایی و احد اقتصادی شده، شریک آن به شمار می‌آید؛ سپس بانک به صورت «رویه» عملی اعلام می‌دارد: بنگاه‌هایی که از تسهیلات اعتباری استفاده می‌کنند می‌توانند پس از رفع مشکل مالی، سهم‌الشرکه بانک را از بانک بخرند. بانک با توجه به مبلغ و مدت زمان استفاده از اعتبار و با توجه به سود مبنای رقمی را به صورت منفعت به قیمت خرید افزوده، سهم‌الشرکه خود را به بنگاه می‌فروشد. توجیه شرعی و اقتصادی این منفعت به این است که وقتی بانک بخشی از دارایی بنگاه را می‌خرد و به اندازه مدت زمان استفاده بنگاه از اعتبار، مالک آن بخش از دارایی می‌شود، ارزش دارایی مذکور متناسب با گذشت زمان و سود بنگاه افزایش می‌یابد به این دلیل بانک حق دارد دارایی خود را به قیمتی بالاتر از قیمت خرید بفروشد و بنگاه مذکور نیز برای این که در پایان دوره مالی شریکی به نام بانک، بخشی از سود را تصاحب نکند، حاضر است سهم‌الشرکه بانک را با قیمت بالاتر بخرد.

اگر مثال پیشین را در این شیوه اجرا کنیم، بانک ملی با پرداخت چک پانصد میلیون، بخشی از دارایی شرکت خودروسازی (طبق مثال نصف یک درصد، ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰) را به قیمت پانصد میلیون خرید، به آن نسبت مالک دارایی و شریک شرکت می‌شود. پس از یک ماه، اگر شرکت بخواهد اعتبار مذکور را برگرداند، بانک سهم‌الشرکه خود را به قیمت بیش‌تری که براساس مبلغ اولیه (پانصد میلیون)، نرخ سود مبنای مدت زمان مالکیت تعیین می‌شود، به شرکت می‌فروشد قیمت جدید از طریق فرمول زیر محاسبه می‌شود.

$$A_1 = A_0 \left(1 + \frac{p \cdot n}{360} \right)$$

که در آن A_1 قیمت جدید، A_0 قیمت اولیه، p سود مبنای n روزهای استفاده از اعتبار است.

$$A_1 = 500000000 \left(1 + \frac{0.24 \times 30}{360} \right) = 510000000$$

$$\pi = A_1 - A_0 = 10000000 \quad \text{سود بانک}$$

بدیهی است که این شیوه نیز به یک مرتبه اختصاص ندارد و واحد اقتصادی می‌تواند با رعایت سقف اعتبار، مرتب از این محل استفاده کند.

ضمانت اجرا

در بانکداری سنتی، در عملیات اعتبار در حساب جاری، استفاده‌کننده تسهیلات می‌کوشد برای فرار از هزینه بهره بیش‌تر در نخستین فرصت ممکن با بانک تسویه حساب کند. افزون بر این که هر نوع کوتاهی در بازپرداخت اعتبار، و جهت مشتری را مخدوش، و در مراحل بعد، گرفتن

اعتبار را با مشکل مواجه می‌کند و این دو دست به دست هم داده، ضمانت اجرایی خوبی برای بازپرداخت به موقع (کوتاه مدت) اعتبار در حساب جاری فراهم می‌آورد. در شیوه‌های پیشنهادی نیز مطلب همین‌طور است. در شیوه مصالحه بر سود مینا، مشتری احساس می‌کند هر چه مدت زمان مشارکت بانک طولانی شود، سهم سود بانک نیز از جهت رقم افزایش می‌یابد؛ در نتیجه یکی از اقلام هزینه‌ای بنگاه بالا می‌رود؛ چنان که در شیوه خرید و فروش نیز بنگاه می‌بیند هر چه زمان استفاده از اعتبار طولانی شود، قیمت بازخرید سهم شرکت بانک بیش‌تر خواهد شد و به تبع آن، هزینه بنگاه افزایش خواهد یافت. و درست همانند بانکداری سنتی، مشتری احساس می‌کند اگر نتواند در کوتاه‌مدت تسویه حساب کند، وجه اعتبار بنگاه نزد بانک مخدوش، و در نوبت‌های دیگر، استفاده از اعتبار در حساب جاری با مشکل مواجه می‌شود. افزون بر این، دو نکته حائز اهمیت وجود دارد که ضمانت اجرایی عملیات اعتبار در جاری مشارکتی را افزایش می‌دهد.

۱. از توضیحات پیشین معلوم شد که سود مینا به طور معمول کم‌تر از سود متوسط بنگاه است؛ بنابراین بنگاه می‌داند که اگر تسویه حساب بانک را تا آخر سال مالی به تأخیر بیندازد، باید برای بانک نیز به نسبت سرمایه‌اش سود واقعی بپردازد و این مستلزم تحمل هزینه بیش‌تر است.

۲. بانک‌ها می‌توانند با استفاده از مبنای فقهی که می‌گویند: اگر در شرکتی سرمایه یکی از شرکا ویژگی خاصی داشت که نوعی امتیاز به‌شمار می‌آمد می‌تواند نسبت سود بالاتری را شرط کند و اگر بقیه شرکا توافق کنند، موقع تقسیم سود، شریک مذکور سهم بیش‌تری به نسبت سرمایه خواهد برد،^{۱۰} این‌جا نیز بانک در جایگاه شریک می‌تواند شرط کند اگر مشتری تا پایان سال مالی به یکی از دو روش پیشگفته تسویه حساب نکرد، بانک در مقایسه با سرمایه‌های دیگر با ضریب ۱/۲ یا هر ضریب دیگر، در تقسیم سود شرکت خواهد کرد.

۳-۲-۱. شیوه انتظار سود واقعی

در این شیوه نیز بانک با در نظر گرفتن اعتبار در حساب جاری مشارکتی برای مشتریان موفق و پرداخت چک آن‌ها، در مالکیت بخشی از دارایی بنگاه و به تبع آن در سرمایه و سود بنگاه شریک می‌شود. پس از سپری شدن مشکل، بنگاه اصل مبلغ اعتبار استفاده شده را به بانک برمی‌گرداند و مشارکت را به پایان می‌برد و همین «رویه» را تا پایان سال مالی چند بار تکرار می‌کند. پس از پایان سال مالی و روشن شدن سود واقعی بنگاه بانک به تناسب مبالغ استفاده

شده از اعتبار و مدت زمان آن‌ها، در سود بنگاه شریک می‌شود و از سود واقعی بنگاه - هر چقدر باشد - استفاده می‌کند. بدیهی است در این شیوه نیز هرچه بنگاه مذکور در بازپرداخت اعتبار کوتاهی کند و زمان آن‌ها طولانی شود، سود بانک از محل آن‌ها بیش تر و به تبع آن، هزینه بنگاه افزایش می‌یابد؛ بنابراین بنگاه ترجیح می‌دهد برای حفظ وجه اعتباری و کاهش هزینه‌های بنگاه در نخستین فرصت اعتبار دریافتی را برگرداند. در این شیوه نیز بانک می‌تواند از اهرم فشار نسبت سود بیش تر استفاده کند به این معنا که با بنگاه مربوط توافق می‌کند اگر بنگاه هر یک از اعتبارات دریافتی را حداکثر تا سه ماه از تاریخ دریافت تسویه کند، بانک در پایان سال مالی، موقع تسویه حساب به بنگاه تخفیف داده، به جای ضریب مثلاً $1/2$ از ضریب ۱ استفاده می‌کند. اگر مثال شرکت خودروسازی را برای این شیوه تطبیق کنیم، بانک اعتبار، تا سقف یک میلیارد ریالی در اختیار شرکت قرار می‌دهد. شرکت با حواله چک از محل آن حساب برداشت می‌کند و هر زمان مازادی داشت، اعتبار استفاده شده را به بانک بر می‌گرداند و این فرایند را چند بار تا پایان سال مالی ادامه می‌دهد. اگر فرض کنیم شرکت در سه نوبت به ترتیب مبالغ یک میلیارد، پانصد میلیون و چهارصد میلیون ریال را برداشت و به ترتیب یک ماه، دوم و چهار ماه از آن استفاده کرده باشد و در پایان سال مالی معلوم شود که سود شرکت ۳۰ درصد بوده است، سود بانک از محل سود واقعی به ترتیب زیر محاسبه خواهد شد.

$$\pi = \sum \pi_i \quad \pi_i = A_i \frac{P \cdot n \cdot B}{360}$$

$$\pi_1 = 1000000000 \times \frac{0.30 \times 30 \times 1}{360} = 250000000$$

$$\pi_2 = 500000000 \times \frac{0.30 \times 60 \times 1}{360} = 250000000$$

$$\pi_3 = 400000000 \times \frac{0.30 \times 120 \times 1/2}{360} = 480000000$$

$$\pi = 980000000 \text{ سود کل بانک}$$

در این فرمول « π » سود بانک، « A » اعتبار استفاده شده، « P » نرخ سود واقعی شرکت، « n » مدت زمان استفاده « B » ضریب تقسیم سود است و در مثال پیشین چون شرکت خودروسازی اعتبار اول و دوم را پیش از سه ماه برگردانده است، از تخفیف بانک برخوردار شده و به جای ضریب $B = 1/2$ از ضریب $B = 1$ استفاده می‌کند.

۲. اعتبار در حساب جاری بر اساس عقد تنزیل (خرید و فروش دین)

۱-۲. ماهیت فقهی اعتبار

تنزیل، نقد کردن طلب مدّت دار در معاملات تجاری است. گاهی مشتری توان پرداخت قیمت کالا را به صورت نقد ندارد و کالا را نسیه می‌خرد و در مقابل، سفته‌ای مدّت دار به فروشنده می‌دهد. حال اگر فروشنده بخواهد به هر دلیلی زودتر از سررسید سفته به وجه نقد دست یابد می‌تواند با مراجعه به بانک و کم کردن مقداری از وجه آن، سفته مذکور را تنزیل و وجه نقد دریافت کند و بانک در سررسید به بدهکار (مشتری کالا) مراجعه کرده وجه سفته را وصول می‌کند. مبلغ کم شده که به آن نزول می‌گویند، سود بانک از این معامله است که متناسب با نرخ سود بازار (در بانکداری متعارف، نرخ بهره بانکی) و مدّت زمان باقی مانده تا سررسید سفته است؛ برای مثال اگر خرده‌فروشی از یک کارخانه به ارزش ده میلیون ریال خرید نسیه کرده، یک سفته سه‌ماهه بپردازد و کارخانه بخواهد آن را در بانک تنزیل کند، بانک از زیر مقابل آن را تنزیل می‌کند.

$$A = P \left(1 - \frac{r n}{360} \right)$$

که در آن رابطه «A» ارزش فعلی سفته، «P» ارزش اسمی سفته، «r» نرخ سود و «n» مدّت زمان باقی مانده تا سررسید سفته است. اگر نرخ سود ۲۴ درصد باشد، ارزش سفته تنزیلی و سود بانک برابر است با:

$$A = 10000000 \left(1 - \frac{24 \times 90}{360} \right) = 9400000$$

$$\pi = P - A = 600000 \quad \text{سود بانک}$$

مشهور فقیهان شیعه، عملیات تنزیل سفته نزد شخص ثالث (مثل بانک) را در صورتی که سفته حقیقی باشد (در مقابل خرید نسیه واقعی باشد)، از مصادیق بیع دین (فروش دین) دانسته و مجاز می‌شمرند^{۱۱}؛ ولی برخی از بزرگان چون حضرت امام خمینی^{۱۲} و آیت‌الله خامنه‌ای^{۱۳} فروش سفته و برات را به شخص ثالث به کم‌تر از مبلغ اسمی جایز نمی‌دانند. حال اگر بخواهیم براساس فتوای مشهور فقیهان در مسأله تنزیل عمل کنیم می‌توان راه حل دیگری برای اعتبار در حساب جاری براساس عقد تنزیل مطرح کرد.

۲-۲. شیوه عملیاتی اعتبار در حساب جاری براساس عقد تنزیل

در این شیوه، بانک با شناسایی مشتریان موفق به آنان اعلان می‌کند که برای آن دسته از

مشتریان موفق که دارای اسناد مالی حقیقی (ناشی از معامله واقعی) مدت دار هستند، متناسب با عملکرد حساب جاری آن‌ها، اعتبار تنزیلی باز می‌کند. وقتی مشتری تقاضای اعتبار می‌کند، بانک حد اعتبار او را تعیین، و درخواست اسناد مالی مدت دار می‌کند. مشتری به مبلغ اعتبار، سفته و برات در اختیار بانک به تناسب مبلغ چک و باتوجه به نرخ سود عملیات بانکی و مدت سفته‌ها و برات‌ها، بخشی از سفته و برات‌ها را تنزیل کند، و چک مورد نظر را پردازد. اگر سر رسید سفته طولانی باشد و مشکل مشتری برطرف شده باشد، مشتری می‌تواند به بانک مراجعه، و خرید سفته تنزیل شده را درخواست کند. در این صورت، بانک به همان روشی که سفته مدت دار را خریده بود، به مشتری می‌فروشد و این روش تا سر رسید سفته می‌تواند چندین بار تکرار و بین بانک و مشتری خرید و فروش شود و روشن است که هرچه زمان به سر رسید سفته نزدیک شود، ارزش فعلی سفته به ارزش اسمی نزدیک می‌شود، و سود به صفر گرایش می‌یابد؛ برای مثال اگر بانکی برای یک واحد اقتصادی در حد ده میلیون ریال اعتبار در حساب جاری تنزیلی باز کند، آن واحد می‌تواند با تحویل سفته‌ای به ارزش حد اعتبار، درخواست اعتبار کند. بانک با توجه به مدت زمان سفته و نرخ سود بانکی اعلان می‌دارد که برای تنزیل آن، حداکثر تاجه میزان می‌تواند چک بنویسد. اگر نرخ سود بانکی ۲۴ درصد و سر رسید سفته، سه‌ماهه باشد، بانک اعلان می‌کند (طبق محاسبه گذشته) که آن واحد اقتصادی می‌تواند تا سقف نه میلیون و چهار صد هزار ریال چک بنویسد. وقتی واحد اقتصادی چک را نوشت، بانک سفته مذکور را تنزیل کرده، چک را می‌پردازد. حال اگر بانک و مشتری تا سر رسید صبر کنند، بانک پس از سه‌ماه، مبلغ اسمی سفته (ده میلیون ریال) را وصول کرده، ششصد هزار ریال سود می‌برد؛ اما اگر مشتری برای مثال پس از یک‌ماه حاضر به برگرداندن اعتبار مذکور به بانک باشد، خرید سفته از بانک را درخواست می‌کند. ارزش فعلی سفته تنزیلی و سود جدید از رابطه مذکور محاسبه می‌شود.

$$A = 10000000 \left(1 - \frac{24 \times 60}{360} \right) = 9600000 \quad \text{مبلغی که مشتری برای باز خرید سفته می‌دهد}$$

$$\pi = P - A_1 = 4000000 = \text{سود منتقل شده به مشتری}$$

$$\pi_B = \pi - \pi_1 = 6000000 - 4000000 = 2000000 \quad \text{سود خالص بانک بعد از انتقال بخشی از سود به بانک}$$

همین‌طور اگر پس از یک‌ماه مشتری بخواهد سفته مذکور را دوباره پیش بانک تنزیل کند، از طریق رابطه پیشین سفته را به نه میلیون و هشتصد هزار ریال فروخته، از بانک پول نقد می‌گیرد.

چک حواله کرده از اعتبار تنزیلی برداشت می‌کند - و دوباره بانک به مبلغ دویست هزار ریال از محل تنزیل جدید سود می‌برد.

۳-۲. مشتریان اعتبار در حساب جاری تنزیلی

۱. مؤسسات تولیدی، خدماتی که محصولات خود را مدت‌دار فروخته اسناد مالی (سفته) مدت‌دار می‌گیرند.

۲. تاجران و عمده‌فروشان که کالاها را به صورت نسیه به خرده‌فروشان فروخته، اسناد مالی و مدت‌دار می‌گیرند.

۳. فروشگاه‌های کالاهای بادوام که گاه کالاها را به صورت نسیه فروخته، از مشتریان اسناد مالی مدت‌دار می‌گیرند.

۴. اشخاص حقیقی که گاه املاک و کالاهای بادوام (منزل، مغازه، زمین، اتومبیل و ...) خود را به صورت مدت‌دار فروخته، اسناد مالی می‌گیرند.

۴-۲. ملاحظات اعتبار در حساب جاری تنزیلی

یک. چنان‌که گذشت، روش اعتبار در حساب جاری تنزیلی، به تبع خود تنزیل از جهت فقهی محلّ اختلاف است و فقط آن گروه از مشتریان بانک می‌توانند از این روش استفاده کنند که مرجع تقلید آن‌ها تنزیل را جایز می‌داند.

دو. فقیهان معتقد به جواز تنزیل، فقط اسناد حقیقی (سفته‌ای که بابت خرید کالا به صورت نسیه پرداخت می‌شود) را قابل تنزیل می‌دانند؛ بنابراین بانک تنزیل کننده باید به حقیقی بودن سند اطمینان داشته باشد.

سه. سفته‌ای که مشتری بدون پشتوانه معامله واقعی، امضا کرده، در اختیار بانک می‌گذارد - ولو مربوط به خود او نباشد و از دیگری بگیرد - سفته‌ی صوری یا دوستانه نامیده می‌شود که تنزیل آن جایز نیست و در حقیقت چنین سفته‌هایی ماهیت فروش دین را ندارند - چون در واقع دینی در کار نیست - بلکه ماهیت قرض با بهره را دارند که ربا است به این معنا که در واقع مشتری مبلغی را از بانک قرض کرده؛ سپس در برابر اصل و فرع آن سفته می‌دهد. بانک‌ها باید از جریان چنین سفته‌هایی جلوگیری کنند؛ چرا که ممکن است خیلی از معاملات ربوی را در قالب تنزیل سفته‌های صوری انجام داد و شاید همین امر باعث شده تا عملیات تنزیل در بانکداری بدون ربا جمهوری اسلامی ایران متوقف شود با این‌که به تصویب شورای پول و اعتبار و شورای نگهبان رسیده بود و مدتی نیز به آن عمل می‌شد. به نظر می‌رسد با یافتن راهکارهای مناسب برای

تشخیص سفته‌های حقیقی از صوری بتوان این ابزار را به کار گرفت.

چهار. در عملیات تنزیل به صورت متعارف، مشتری تنزیل کننده، پشت سفته را به صورت ضمانت امضا می‌کند و متعهد می‌شود در صورت عدم پرداخت بدهکار، مشتری تنزیل کننده، وجه سفته را به بانک می‌پردازد. از آن جا که این معنا از ضمانت (ضمانت عرفی) با اطلاق ضمانت شرعی (نقل ذمه) تفاوت دارد، لازم است پشت سفته‌های تنزیلی با آوردن همین عبارت، (در صورت عدم پرداخت بدهکار، پرداخت و چه سفته را ضمانت می‌کنم) امضا و ضمانت شود.

۳. اعتبار در حساب جاری براساس عقد قرض بدون بهره

۱-۳. ماهیت فقهی اعتبار

آسان‌ترین روش برای اعطای اعتبار در حساب جاری، استفاده از قرار داد قرض بدون بهره است. بانک برای مشتریان خاص که توضیح آن‌ها می‌آید، پس از اعتماد و اطمینان و گرفتن وثیقه‌های لازم، حدّ خاصی را در نظر گرفته، به مشتری اعلان می‌دارد و در حساب جاری وی منظور می‌دارد. مشتری هر وقت از آن اعتبار استفاده کرد؛ یعنی چکی نوشته به بانک حواله کرد، به معنای گرفتن قرض بدون بهره از بانک خواهد بود و طبق قرار داد متعهد می‌شود حداکثر در زمان مشخصی (برای مثال سه ماه) قرض خود را به بانک برگرداند.

همانند سایر قرض‌های بدون بهره، بانک می‌تواند در مقابل ارائه چنین خدمتی، کار مزد عملیات بانکی دریافت کند؛ اما باید دقت شود که این کار مزد به واقع، اجرت کار باشد، نه هزینه استفاده از پول و اعتبار بانکی.

۲-۳. مشتریان اعتبار در حساب جاری قرضی

باتوجه به این که این نوع اعتبار در حساب جاری سبب می‌شود بخشی از منابع بانک به صورت قرض بدون بهره در اختیار مشتری قرار گیرد و برای بانک سود نداشته باشد، به نظر می‌رسد، که این روش، منطق اقتصادی نداشته، برای نظام بانکی قابل قبول نخواهد بود؛ اما در عین توجه به منطق اقتصادی می‌توان ادعا کرد که اعتبار در حساب جاری به این روش برای خصوص مشتریان ذیل نه تنها منطقی، بلکه در مواردی یگانه راه حل است. به عبارت دیگر، اعتبار در حساب جاری برای مشتریان ذیل، گرچه برای بانک به صورت مستقیم سود ندارد، به صورت غیر مستقیم، سبب بالارفتن سود بانک می‌شود.

۱. شرکت‌های سهامی که بانک از سهامداران عمده آن شرکت است؛ به طوری که هر استفاده

از اعتبار در حساب جاری و افزایش سود شرکت، افزایش سود بانک نیز به شمار می‌آید.

۲. فعالیت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی که بانک از طریق مشارکت مدنی، و مضاربه، در آن‌ها سرمایه‌گذاری قابل توجه دارد؛ به طوری که افزایش سود بنگاه، افزایش سود بانک به شمار می‌آید.

نکته قابل توجه این که نسبت به این نوع بنگاه‌ها بانک می‌تواند زمان انعقاد قرار داد مشارکت مدنی یا مضاربه به جهت اعطای امتیاز استفاده از تسهیلات اعتبار در حساب جاری قرضی، درصد بیش‌تری از تقسیم سود برای سهم سرمایه خود درخواست کند.

۳. اشخاص حقیقی فعال و خوش حسابی که به‌طور متعارف، مانده قابل توجهی در حساب جاری خود دارند. بانک‌ها برای تشویق چنین افرادی به افزایش موجودی حساب جاری و بالا بردن ثبات آن، متناسب با متوسط مانده حساب جاری، حد اعتبار در نظر می‌گیرند. روشن است که این شیوه از جهت مقدار و مدت باید چنان کارشناسی شود که در مجموع، سبب افزایش مانده خالص حساب جاری شود.

۳-۳. ضمانت اجرا

از آنجا که استفاده از تسهیلات اعتبار جاری به روش قرض بدون بهره، هیچ هزینه‌ای برای استفاده‌کننده از تسهیلات ندارد - جز کارمزد که به‌طور معمول ناچیز است - مشتری خواهد کوشید در بالاترین حد ممکن از این اعتبار استفاده کند و هر چه می‌تواند در بازپرداخت آن طول دهد و این دو با منطق بانک ناسازگار است؛ اما با تدابیر راهکارهایی می‌توان این نگرانی‌ها را از بین برد یا به حداقل رساند.

اولاً. بانک با تعیین سقف اعتبار و حداکثر زمان استفاده به مشتری اعلان می‌کند که استمرار این اعتبار برای دفعات بعد به رعایت اصول بانکی منوط است و چون مشتری دوست دارد به‌طور پیوسته این امتیاز را داشته باشد، به‌صورت منطقی در رعایت و نشان دادن خوش‌حسابی خود می‌کوشد.

ثانیاً. بانک با گرفتن وثیقه‌های معتبر و کوتاه مدت (همانند سایر تسهیلات بانکی) به اعطای تسهیلات اقدام می‌کند و هر زمان احساس کرد که مشتری در رعایت اصول بانکی قصور دارد، از آن‌ها استفاده می‌کند.

مقایسه شیوه‌های پیشنهادی و گزینش بهترین آن‌ها

در این مقاله، سه شیوه اعتبار در حساب جاری مشارکتی با عنوان‌های «مصالحه بر سود مینا»، «خرید و فروش براساس سود مینا» و «انتظار سود واقعی» و یک شیوه اعتبار در حساب جاری تنزیلی و یک شیوه اعتبار در حساب جاری قرض بدون بهره پیشنهاد شد. اگر بخواهیم این شیوه‌های پنج‌گانه را از جهت ضوابط اساسی انطباق با ضوابط فقهی، انطباق با اهداف اقتصاد اسلامی، داشتن منطق اقتصادی و انطباق با ملاک‌های بانکی مقایسه و در وضعیت کنونی بهترین را برگزینیم، به صورت خلاصه می‌توان چنین گفت:

۱. شیوه مصالحه بر سود مینا، با ضوابط فقهی و منطق اقتصادی انطباق کامل دارد و در محاسبه سود، بانک گرچه بنا را بر مصالحه و گرفتن سود علی‌الحساب می‌گذارد، بانک متعهد می‌شود که اگر سود واقعی از سود مینا کمتر باشد، مابه‌التفاوت را بپردازد؛ در نتیجه هم از جهت تحقق اهداف اقتصاد اسلامی و هم از جهت روش‌های عملیاتی بانکی در حد متوسط ارزیابی می‌شود؛ چون روش‌های فعلی عملیاتی بانک، با گرفتن سود مشخص و اتمام معامله سازگارند، نه با مصالحه و انتظار پایان دوره.

۲. شیوه خرید و فروش براساس سود مینا، با ضوابط فقهی و منطق اقتصادی انطباق کامل دارد؛ چنان‌که با روش‌های عملیاتی بانکی نیز به‌طور کامل منطبق است؛ ولی چون سود بانک با قطع نظر از سود واقعی بنگاه و به صورت مشخص تعیین می‌شود، در تحقق اهداف اقتصاد اسلامی ضعیف است.

۳. شیوه انتظار سود واقعی، با ضوابط فقهی و منطق اقتصادی و اهداف اقتصادی اسلامی به‌طور کامل سازگاری دارد؛ اما در تطابق با روش‌های عملیاتی بانکی ضعیف است؛ چون سود بانک معین نبوده، کاملاً به سود واقعی بنگاه بستگی دارد.

۴. شیوه تنزیل، در انطباق با ضوابط فقهی مشکل دارد و برخی از فقیهان آن را مجاز نمی‌دانند. از جهت منطق اقتصادی و انطباق با عملیات بانکی کامل؛ ولی در تحقق اهداف اقتصادی اسلام نیز ضعیف است.

۵. شیوه قرض بدون بهره، از جهت انطباق با ضوابط فقهی و تحقق اهداف اقتصادی اسلام و تطابق با روش‌های عملیاتی بانکی کامل است؛ اما به جهت نداشتن سود بانکی، منطق اقتصادی ندارد.

جدول مقایسه شیوه‌های اعتبار در حساب جاری با ضوابط اساسی

شیوه	میزان انطباق	ضوابط فقهی	اهداف اقتصاد اسلامی	منطق اقتصادی	عملیات بانکی
مصالحه بر سود مبنا	کامل	کامل	متوسط	کامل	متوسط
خرید و فروش با سود مبنا	کامل	کامل	ضعیف	کامل	کامل
انتظار سود واقعی	کامل	کامل	کامل	کامل	ضعیف
تنزیل	ضعیف	ضعیف	ضعیف	کامل	کامل
قرض بدون بهره	کامل	کامل	کامل	ضعیف	کامل

حال با توجه به مطالب پیشین و با توجه به روش‌های رایج عملیات بانکی کشور که در پی معامله با ارقام و مبالغ مشخص و معین هستند. برای اعتبار در حساب جاری مناسب است از شیوه خرید و فروش بر اساس سود مبنا آغاز کنند؛ اما بهتر این است با طراحی راهکارها و روش‌های محاسباتی به سمت شیوه مصالحه بر سود مبنا و در نهایت به سمت شیوه انتظار سود واقعی حرکت کنند؛ چراکه شیوه انتظار سود واقعی، هم با موازین فقهی و منطق اقتصادی تطابق کامل دارد و هم در تحقق اهداف اقتصاد اسلامی، کامل تر است و یگانه مشکل آن، نبود روش‌های عملیاتی بانکی است؛ اما به شیوه‌های تنزیل و قرض بدون بهره باید به دید تکمیلی نگریست؛ یعنی در مواردی که نمی‌توان از شیوه‌های مشارکتی استفاده کرد؛ مثل مواردی که متقاضی اعتبار یا اصلاً واحد اقتصادی ندارد یا واحد اقتصادی اش به گونه‌ای است که از جهت سرمایه و نسبت سود قابل محاسبه و اعلام به بانک نیست؛ ولی در حد اعتبار در حساب جاری قابل اعتماد هست.

اعتبار در حساب جاری مشارکتی. در بانکداری بدون ربا

پی‌نوشت‌ها:

۱. ایرج توتونچیان: اقتصاد پول و بانکداری مؤسسه تحقیقاتی پولی و بانکی، ۱۳۷۵ ش، ص ۲۹۴.
۲. مجموعه مقالات دوازدهمین همایش بانکداری اسلامی، علیرضا شیرانی، مؤسسه عالی بانکداری، ۱۳۸۰ ش، ص ۱۷۰.
۳. سیدعباس موسویان: بانکداری اسلامی مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، ویرایش دوم، ۱۳۸۰ ش، ص ۱۹ و ۶۰.
۴. مجموعه مقالات چهارمین سمینار بانکداری اسلامی، اسدالله امیر اصلاتی، مؤسسه عالی بانکداری، ۱۳۷۲ ش، ص ۱۵۷، باتلخیص.
۵. برای توضیح بیش‌تر، ر. ک: اصل مقاله، مجموعه مقالات چهارمین سمینار بانکداری اسلامی، ص ۱۵۷ - ۱۶۲.
۶. آنچه این‌جا می‌آید، خلاصه طرح او است. برای اصل آن، ر. ک: مجموعه مقالات دوازدهمین همایش بانکداری، اسلامی علیرضا شیرانی، ص ۱۶۹ - ۱۷۸.
۷. مجموعه مقالات دوازدهمین همایش بانکداری اسلامی، سید حسین مهدوی، مؤسسه عالی بانکداری، ۱۳۸۰ ش، ص ۱۵ - ۱۴۱.
۸. مجموعه مقالات دوازدهمین همایش بانکداری اسلامی، ص ۱۲۳.
۹. همان، ص ۱۲۴. (با اقتباس و تلخیص)
۱۰. روح‌الله موسوی خمینی [امام]: تحریر الوسیله، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶ ق، ج ۱، ص ۵۷۵، کتاب شرکت، مسأله ۱۰.
۱۱. رساله توضیح المسائل مراجع عظام تقلید، مسأله خرید و فروش سفته.
۱۲. روح‌الله موسوی خمینی [امام]: استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۱۷۵ و ۱۷۶.
۱۳. سیدعلی خامنه‌ای: دررفوائد فی اجوبه القائد ص ۸۵.